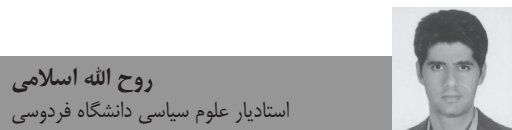


شایست و ناشایست دانشگاه برای دانشجویان



روح الله اسلامی
استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

دانشگاه به معنای مکانی است که در آن دانش‌های مطرح و به‌روز جهان آموزش داده می‌شوند. در ابتدا دانش الهیات و فلسفه وجود داشت و از قرن هفدهم دانش جدید طب، نجوم، ریاضیات، فیزیک و در قرن هجدهم دانش انسانی نیز به دانشگاه افزوده شد. دانشگاه‌ها به مراکز تعلیم و تربیت تحصیلات عالی بدل شدند که برای تربیت شهروند، جامعه‌پذیری سیاسی، گسترش علوم پایه‌ای و کاربردی، رفع نیاز تخصصی بازار و صنعت و تربیت کارگزاران دولتی مورد اقبال دولت و جامعه قرار گرفتند. در ایران نیز اولین مرکز آموزش عالی فنی و پزشکی به نام «دارالفنون» توسط امیرکبیر و اولین دانشگاه علوم انسانی به نام «مدرسه علوم سیاسی» توسط حسن پیرنیا (ملقب به مشیرالدوله) و ذکاءالملک فروغی در یک قرن پیش تأسیس گردید. از آن زمان تاکنون رشته‌های تخصصی شکل گرفت، دانشگاه‌های جامع بزرگ به وجود آمد و ایرانیان اقبال عجیبی به دانشگاه نشان دادند. در کنار همه‌ی کارآمدی دانشگاه‌های معتبر و هزینه‌زایی و بی‌فایده بودن بسیاری از دانشگاه‌ها در ایران پرسش این است زمانی که دانشجوی فنی، پایه و انسانی دانشگاه فردوسی وارد می‌شود چه شایست‌ها و چه ناشایست‌هایی در برابر او است.

شایست‌ها: مجموعه اقداماتی است که اگر دانشجو در ابعاد مختلف آن، خود را پرورش دهد می‌تواند در پایان تحصیلات ادعا کند وقت و هزینه خود را به هدر نداده است. اصلی‌ترین موارد شایست را در زیر اشاره می‌کنم.

۱- شایست آموزش: اولین کارکرد دانشگاه آموزش است. دانشجویان باید از این فضا کاملاً استفاده کنند و تنها به جزوه و کتاب برای خواندن و نمره گرفتن در انتهای ترم اکتفا نکنند. در طول فعالیت تحصیلی، به لحاظ آموزشی باید برای هر کلاس علاوه بر منابع معرفی شده و تدریس استاد، هر منبعی که مفید و مرجع است خوانده شود و علاوه بر آن دانش را از استاد بیرون کشید. کلاس خموه و تئیل، استاد را بی‌انگیزه می‌کند. به لحاظ آموزشی حتماً باید یک زبان غیر از فارسی را یاد بگیرید، در غیر این صورت مدرک شما به هیچ دردی نخواهد خورد.

۲- شایست پژوهش: حیطة بعدی پژوهش است که دانشجویان اغلب از آن غفلت می‌کنند. دانشگاه فرقی با دبیرستان این است که فعالیت پژوهشی در آن وجود دارد. هر کدام از اساتید مشغول پیشبرد پروژه‌های هستند و در صورت اعتماد به دانشجویان آنها را در مسیر پژوهشی هدایت می‌کنند. اگر به دانشگاه از منظر کاربردی بنگرید و نیت یادگیری فن داشته باشید، باید وجه پژوهشی را جدی بگیرید. آزمایش، تجربه، دست‌کاری متغیرها و ارتباط با موضوعات درسی در محیط واقعی امکان یادگیری عملی رشته را فراهم می‌کند. کلینیک، آزمایشگاه و ارتباط با نهادها، صنعت، دانشگاه و جامعه امکان محک آموخته‌ها را فراهم می‌کند.

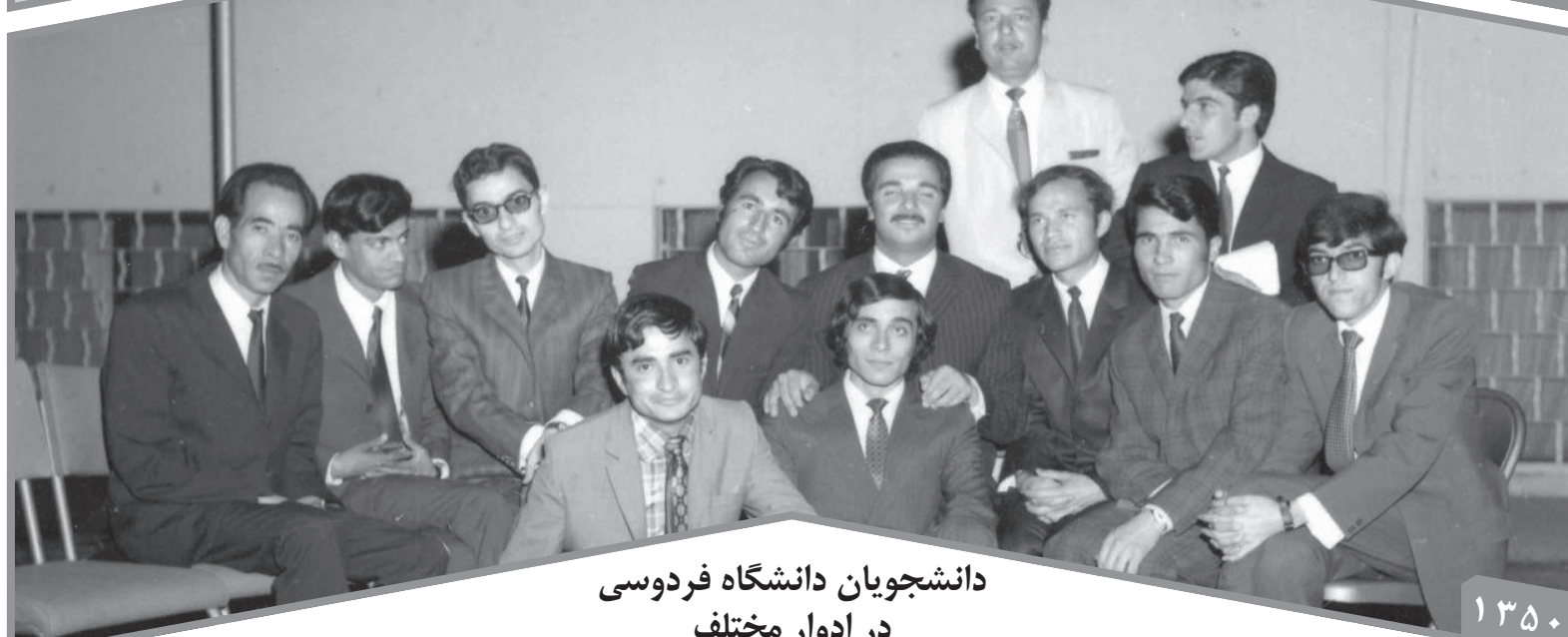
۳- شایست فرهنگ: دانشگاه علاوه بر آموزش و پژوهش، محیطی فرهنگی است که در آن برخلاف بسیاری از محیط‌هایی که تنها کنش ابزاری دارند، ارتباطات انسانی و فعالیت‌های فرهنگی داوطلبانه فراوانی دارد. دانشجو در دانشگاه، قانون کشور، فرهنگ، تشریفات، ادب و مناسبات اجتماعی را در عمل می‌آموزد. تفاوت رفتارهای اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی میان کسانی که به دانشگاه می‌روند و کسانی که مستقیم وارد بازار کار می‌شوند از زمین تا آسمان است. در دانشگاه، دانشجویان فرهنگ، اندیشه، عقاید و آیین‌های مختلف را می‌آموزند. در نتیجه سرمایه اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد. دانشجویان با یادگیری تعاملات، شرکت در انجمن‌ها و فعالیت‌های غیردرسی از تک بعدی بودن خارج می‌شوند.

ناشایست‌ها: منظور انتظارات و فعالیت‌هایی است که دانشگاه را از شکل واقعی خود خارج می‌کند و دانشجویان باید این توقعات و انتظارات را از خود دور کنند.

نگاه ویژه:

روایت نسل‌ها

ویژه‌نامه آغاز سال تحصیلی ۹۵-۹۶



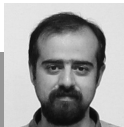
دانشجویان دانشگاه فردوسی
در ادوار مختلف

نگاه ویژه

اولین کارگاه آموزشی ویژه اعضای هیئت تحریریه نشریه دانشجویی «وقایع اتفاقیه» صبح پنجشنبه ۲۵ شهریورماه با حضور دبیران و جمعی از اعضا در سالن شورای سازمان مرکزی جهاددانشگاهی برگزار گردید. این جلسه با هدف آشنایی دانشجویان با اصول اولیه نگارش و ادبیات فارسی جهت بهبود کیفیت مطالب دانشجویی نشریه وقایع اتفاقیه و با تدریس خانم سحر سعادت (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی) برگزار شد.



درباره سازمان دانشجویان



سید وحید افتخارزاده
کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ۹۵

دانشجویانی هستند که با این تصور پا به دانشگاه می‌گذارند که درس بخوانند و درس بخوانند و درس بخوانند و درس بخوانند و بعد باز درس بخوانند. حداکثر ممکن است پای مجسمه فردوسی سردر دانشگاه با دوستانشان عکس سلفی بگیرند. حتی عکس‌های سلفی زیادی بگیرند. شاید همه جا و همیشه عکس سلفی بگیرند، از خودشان و دوستانشان. توش لبخند بزیند. چه فکر بکری. این جوری هم درس خوانده‌اند و هم با هم‌رسانی کردن عکس‌های خندان و شادمان در کنار دوستانشان، نشان داده‌اند دانشگاه مکانی شاد است با کلی دوست شاد و خندان. این دسته ممکن است پا را از این هم فراتر بگذارند و به فکر پیدا کردن همسر هم بیفتند. این یکی دیگر واقعا شاهکار است. بعدها می‌توانند در دفترچه خاطراتشان بنویسند: من در سال هزار و سیصد و نود و پنج پا به محیط مفرح دانشگاه فردوسی گذاشتم هزارتا عکس سلفی گرفتم و همسر پیدا کردم. چه نقشه کاملی. خیلی هم عالی. این دسته همه به پای هم پیر بشوند. حالا یک دسته دیگر هم هستند. آن‌ها با این تصور پا به دانشگاه می‌گذارند که درس هم بخوانند یا کمی درس هم بخوانند یا نه اصلا. کلی درس هم بخوانند. به هر حال تفاوت این دسته دوم با دسته اول این است که می‌خواهند توی این چهار سال آتشی هم بسوزانند و در این دوره زندگی، تجربه‌های متفاوتی داشته باشند. خلاصه برنامه‌هایی جز درس خواندن هم دارند. ممکن است بخواهند پای فرهنگ، هنر، فلسفه، سیاست، شعر، تاریخ، جشنواره‌ها، گالری‌های نقاشی، عکاسی و سینما را هم به دانشگاه باز کنند. بخواهند برای رصد ستارگان به دل کویر سفر کنند. بخواهند جمع بشوند با هم برای خودشان تصمیم بگیرند. بخواهند کارگردانی که از سال‌ها قبل دوست داشته‌اند به دانشکده خودشان دعوت کنند. بخواهند به مناطق دور افتاده و محروم سفر کنند و به کودکان درس بدهند. بخواهند اولین فرصت نوشتن در نشریات را تجربه کنند. اصلا یک نشریه راه بیاندازند. انجمن شعر و داستان تشکیل بدهند یا جلسات کتابخوانی. چه می‌دانم بخواهند طرفداران سینه چاک چپ و راست را دعوت کنند و پای میز مناظره بنشانند. خلاصه رویاهایی جز سلفی گرفتن و هم‌رسانی کردن و هم‌رسانی شدن و دوست کردن و دوست شدن دارند. حالا اگر شما دوست عزیز جزء دسته دوم هستید، ما در دفتر سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی خراسان رضوی به شما خیر مقدم می‌گوییم. ما اینجا هستیم برای این که شما رویاهای خودتان را، تاکید می‌کنیم رویاهای خودتان را دنبال کنید.



بیاییم کمی عملی‌تر به قضیه نگاه کنیم. یک دانشگاه معمولا به سرآمدان علمی و فرهنگی وابسته به دانشگاه شناخته می‌شود. قله‌های علمی، نشان از توانایی‌های آن دانشگاه دارد. قله‌های علمی را در تاریخ دانشگاه فردوسی در نظر بگیرید. که حداقل در ادبیات کم نیستند. و ببینید کدام یک در چارچوب‌هایی قرار می‌گیرند که امروزه دانشگاه تعیین می‌کند. حقیقت این است که نخبگان علمی بیش از آنکه به فرمان نیاز داشته باشند به محیطی نیازمندند تا سلاقی و افکار فردی خود را بروز دهند. از این حیث هم، نخبگان به نوعی جزو اقلیت‌ها قرار می‌گیرند؛ و فضای خوشایند و آزاد برای رشد اقلیت‌ها، به پرورش نخبگان و حفظ آنها می‌انجامد. زمانی که جامعه‌شناس مارک گرنووتر دانشجوی دانشگاه هاروارد بود، تحقیقی انجام داد با نام «قدرت پیوندهای ضعیف» که بعدها پراجاچ‌ترین مقاله علوم اجتماعی شد. او نشان داد که ما بیشترین یادگیری را از ارتباط‌های ضعیف با دیگران به‌دست می‌آوریم. حلقه دوستان صمیمی ما، هرچند که به آنها نزدیک هم باشیم، به دلیل همفکری با ما، به اندازه‌ی کسانی که از ما دورترند آموزنده نیستند. وجود سلاقی فکری مختلف در یک محیط، هرچند که کم‌ارتباط هستند، موجب رشد بیشتری نسبت به گروهی صمیمی با یک چارچوب فکری مشخص می‌شود. تجربه یک‌ساله‌ی فعالیت من در سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی، ترکیبی نه‌چندان کامل اما خوب از این موارد بود که تجربه‌ی خوشایند فراهم کرد و یک پیوند با دانشگاه فردوسی به‌وجود آورد. گستردگی افکار و آزادی نسبی فردی وجه تمایزی برای سازمان دانشجویان است که اگر از دست برود، شوق و پیوندها هم از دست خواهد رفت!



طولانی مدیران را درمورد تأثیرات فعالیت‌های دانشجویی در ارتقاء سطح فرهنگی جامعه و آموختن فعالیت‌های گروهی زیاد شنیده باشید. همه اینها از نظر من در درجه دوم اهمیت قرار دارند. نگاه سوم شخصی به فعالیت‌های دانشجویی و بررسی تأثیرات آن مفید ولی بسیار ناقص است. حقیقت این است که افراد فعالیت‌ی را به‌طور مستمر ادامه می‌دهند که برایشان به‌عنوان یک فرد، خوشایند باشد. حتی اگر مفید هم نباشد! این خوشایندی مستلزم این است که سیاست‌هایی اجرایی شود و البته سیاست‌های زیادی هم اجرایی نشود! یک جامعه مانند دانشگاه، نیازمند نگاهی است که موجب تجربه‌ی خوشایند فردی و متعاقباً پیوند روحی شخص با جامعه می‌شود. یک نهاد دانشجویی موفق، یا بهتر بگویم خوشایند، باید دارای یک ویژگی بارز باشد و آن فرصت برابر برای همه است. فرصت برابر به این معنا که حق فعالیت یک اقلیت در یک نهاد به‌واسطه چارچوب‌های تنگ سلب نشود. گوناگونی سلیقه و تفکر، همه ما را به نوعی عضو یک اقلیت کرده است. اگر چارچوب یک نهاد یا سازمان یا تشکل بر محور یک تفکر خاص پایه‌ریزی شود، در عمل به حکمرانی یک اقلیت بر اقلیت‌های دیگر می‌انجامد. حکمرانی‌ای که نهایتاً به ناخوشنودی افراد زیادی در گروه می‌انجامد. برعکس، در بسیاری از جوامع این دیدگاه که حقوق فرد نسبت به گروه اولویت دارد، فرصت تجربه‌ی خوشایند شخصی را چنان فراهم آورده که آنها را بزرگترین سرزمین‌های مهاجرپذیر کرده است و ما را مشتاق فرنگ. جالب این که برخی از این کشورها به‌جای تحمیل چارچوب مشترک برای همه، برای تقویت اقلیت‌های خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. گویا اهمیت به همین نگاه اول شخص و تجربه‌ی خوشایند به نتایج عملی بهتری هم می‌انجامد.



شایست و ناشایست دانشگاه برای دانشجویان

ادامه از صفحه ۱

باید تنها یک صدا و فرهنگ بر دانشگاه حاکم باشد بدیهات زیست دانشگاهی را به رسمیت نمی‌شناسند و البته تنها خود را به رنجه می‌دارند. در دانشگاه، انجمن‌ها، گروه‌ها و نهادهای زیادی با افکار و عقاید مختلف وجود دارد که متناسب با تخصص و علاقه، هرکس می‌تواند در آنها فعالیت و زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز را تجربه کند. ناشایست انتظار و قصیدیت تک‌صدایی و وحدت روشی باعث مرگ فضای فرهنگی دانشگاه خواهد شد.

توقع داشت قواعد بوروکراتیک و کاملاً ابزاری نهادهای اداری بر دانشگاه حاکم شود. در صورت چنین توقعی، اندیشه، فکر، اختراعات و اکتشافات قربانی منطق یکنواخت و مکانیکی بوروکراسی خواهد شد.

۳-ناشایست ایدئولوژی: درنهایت، دانشگاه، حزب، باشگاه و نهاد سیاسی نیست و متعلق به هیچ‌یک از جریان‌های سیاسی کشور نمی‌باشد. در دانشگاه مستقل و بی‌طرف، اندیشه‌ها و مکاتب فکری مختلف زیست می‌کنند. دانشجویانی که گمان می‌کنند

کسب کنند تنها وقت خود را هدر می‌دهند.

۲-ناشایست نهادی: دانشگاه اداره و سازمان اجرایی نیست و استادان دانشگاه، کارمند و مستخدم دولت نیستند. به‌علت اینکه شغل استادی لازم‌ه‌اش هزینه‌کردن تمام‌وقت برای آموزش و پژوهش است نباید توقع داشت کارکرد دانشگاه همانند سایر نهادهای دولتی باشد. دانشگاه اگر دولتی شود و با شیوه تمرکزگرایانه و از بالا به پایین با آیین‌نامه و بخش‌نامه‌های مرکزی اداره گردد، خلاقیت آن نابود می‌شود. بنابراین ناشایست است

۱-ناشایست ابزاری: دانشگاه بازار نیست و با آموزشگاه‌ها و پژوهشکده‌های فراوانی که تنها به فکر پول درآوردن و نگاه ابزاری به همه چیز هستند تفاوت دارد. دانشگاه دبیرستان نیست و با مدرسه‌ای که تنها چند کتاب حفظی و تستی در آن آموزش داده شود تفاوت دارد. بنابراین دانشجویانی که به فکر گرفتن مدرک هستند و با رویکرد ابزاری به اساتید و دانشجویان می‌نگرند و بدون تلاش قصد دارند ظاهری از مجوزهای مختلف را

راهاندازی کلینیک حقوقی در دانشگاه فردوسی مشهد



رئیس دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی با اشاره به راهاندازی کلینیک حقوقی در این دانشکده اظهار کرد: راهاندازی این کلینیک در راستای رفع نیازهای شهر است. جوان جعفری در گفت‌وگو با خبرنگار ایستنا- منطقه خراسان، در ادامه با بیان اینکه یکی از خدمات این کلینیک ارائه مشاوره‌های حقوقی است، گفت: در کنار بحث‌های مشاوره‌ای فعالیت‌های پژوهشی حقوقی، بازآموزی دانشجویان و کارکنان حوزه فعالیت‌های حقوقی و قضایی و... نیز در دستور کار این کلینیک قرار دارد. وی با اشاره به تعرفه‌های دریافتی این کلینیک برای مشاوره حقوقی عنوان کرد: این تعرفه‌ها کاملاً براساس استانداردهای تعیین شده در قانون دریافت شده و برای دانشجویان، کارکنان و اعضای هیات علمی نیز تخفیف در نظر گرفته شده است.

روایت نسل ها

گزارش تصویری از دیروز دانشگاه فردوسی

سجاد نامور
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

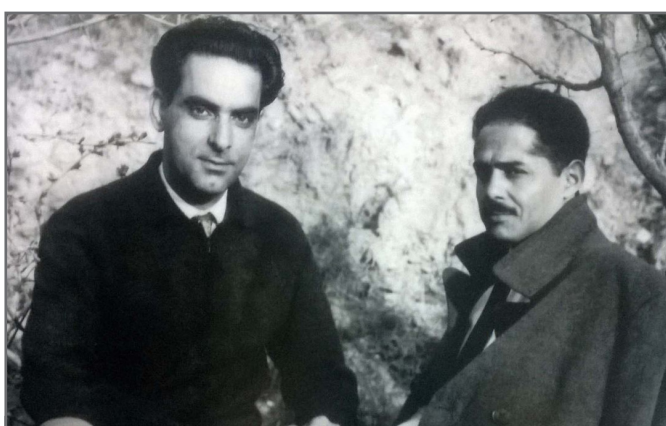


مقدمه: «یادش بخیر» عبارتی کلیشه‌ای است که در واکنش به خاطرات شیرین گذشته بر زبان هر انسانی جاری می‌شود. دانشگاه فردوسی مشهد با تاریخچه‌ای بالغ بر نیم قرن، سومین دانشگاه ایران است که خاستگاه خاطرات شیرین بسیاری بوده و جوانان یا استعداد زیادی را پرورش داده است. برای روایت تاریخ شیرین دانشگاهمان قصد داشتیم پای صحبت مدیر مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی بنشینیم که درخواست ما به علی که نمی‌دانیم مورد پذیرش قرار نگیرد، بنابراین خودمان دست‌به‌کار شدیم و تاریخ را در فضای مجازی (علی‌الخصوص کانال و سایت مرکز آثار و اسناد دانشگاه) کاویدیم. حاصل کار تصاویری کمتر دیده‌شده از روزهای دور و نزدیک دانشگاه فردوسی است. ببینید و بدانید که روزی ما هم تبدیل به عکسی و خاطره‌ای می‌شویم.

چهره‌های ماندگار دانشگاه فردوسی



دکتر علی شریعتی روشنفکر شهیر ایران زمین که در دهه ۴۰ استاد تاریخ دانشگاه فردوسی بود. تصویر، شریعتی را در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان نشان می‌دهد.



استاد محمد قهرمان؛ شاعر برجسته سبک هندی که در دهه ۴۰ کتابدار دانشکده ادبیات بود. تصویری به یاد ماند نیاز محمد قهرمان (سمت چپ) در کنار شاعر نامدار مهدی اخوان ثالث (۱۳۴۲)



تصویری به یاد ماندنی از کنگره جهانی بررسی آراء ابوحامد غزالی با حضور (از سمت راست) مرحوم دکتر حسین رزمجو (استاد ادبیات دانشگاه فردوسی)، دکتر عبدالکریم سروش و دکتر محمود فاضل یزدی (استاد رشته فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی) در حال ایراد سخنرانی در سال ۱۳۶۴



دکتر محمد مهدی اعتمادی؛ استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی مشهد دارای دکترای تخصصی مغز و اعصاب از دانشگاه پیروماری کوری پاریس. تصویری از آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری به همراه دکتر اعتمادی در دهه ۶۰



آقای آسوده خدمتگزار مهربان و سخت‌کوش کتابخانه مرکزی در سال ۱۳۵۵



دانشجویان دیروز، اساتید امروز؛ دانشجویان کارشناسی ریاضی دانشگاه فردوسی در سال ۱۳۳۹. از راست: دکتر فارسیان، آقای حساری، دکتر چیتی، آقای خزانه‌داری، مرحوم دکتر یاسی، پروفیسور موری و دکتر فراهی

اماکن دانشگاه فردوسی



محوطه فرح‌انگیز دانشکده ادبیات در اواخر دهه ۴۰



مرکز کامپیوتر دانشگاه در سال‌های دور یعنی ۴۰ سال پیش؛ ۱۳۵۵



کتابخانه دانشکده علوم سابق در سال تحصیلی ۴۸-۴۹

دانشجویان دانشگاه فردوسی



سفر دانشجویان کارشناسی رشته شیمی به شیراز در سال ۱۳۵۹



مسابقه بسکتبال میان تیم دانشکده علوم و دانشکده پزشکی در سال ۱۳۴۸



جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشکده ادبیات در کنار دکتر رجایی در اواخر دهه ۴۰

